



سخنرانی های همگانی پاپ فرانسوا

باورنامه: اعتراف به یک کلیسای مقدس، جامع و رسولی

خواهران و برادران گرامی، صبح به خیر!

هنگام خواندنِ باورنامه ما می‌گوییم: "من به یک کلیسای، مقدس، جامع و رسولی ایمان دارم". نمی‌دانم آیا تاکنون بر معنای عبارت "کلیسا رسولی است" درنگ کرده‌اید یا نه. شاید گهگاه هنگام آمدن به رُم، به اهمیت پولس و پطرس رسول اندیشیده باشید؛ رسولانی که در اینجا زندگی‌شان را برای گواهی دادن بر انجیل دادند.

اما چیزهای بیشتری هست. اعتراف به رسولی بودنِ کلیسا یعنی تأکید بر پیوندِ ساختاری ای که کلیسا با رسولان دارد، با آن گروه کوچک ۱۲ نفره ای که عیسی روزی فراخوانده، ایشان را به نام صدا کرد، باشد که با او بمانند، و او ایشان را برای موعظه راهی کند (مر ۳: ۱۳-۱۹). «Apostel» در واقع یک واژه یونانی است به معنی "فرستاده" یا "گسیل شده". رسول کسی است که فرمانی به او داده شده، او به انجام کاری فرستاده شده و رسولان به وسیله عیسی برگزیده، فراخوانده شده و فرستاده شده اند تا کارِ او را ادامه دهند، که نیایش است - که نخستین کارِ یک رسول است - و دوم آنکه تا انجیل را اعلام کنند. این مهم است، چراکه وقتی ما به رسولان می‌اندیشیم، ممکن است فکر کنیم که آنها فقط فرستاده شدند تا انجیل را اعلام کنند، تا کارهای نیک بسیار انجام دهند. به هر روی، در دورانِ نخستینِ کلیسا مشکلی درباره میزانِ کارِ رسولان پیش آمد، و از این رو آنها خادمانی را برگماشتند تا رسولان زمانِ بیشتری برای نیایش و اعلامِ سخنِ خدا داشته باشند. هنگامی که به جانشینانِ رسولان یعنی اسقفان - که دربرگیرنده پاپ هم می‌شود، چون او هم یک اسقف است - می‌اندیشیم، باید بپرسیم آیا این جانشینِ رسول، نخست دعا کرده و آنگاه انجیل را اعلام می‌کند: این یعنی رسول بودن، و این چیزی است که کلیسا را رسولی می‌کند. هر کدام از ما، اگر می‌خواهیم رسول باشیم چنان که اکنون شرح خواهیم داد، باید از خودمان بپرسیم: آیا من برای رستگاری جهان نیایش می‌کنم؟ آیا من انجیل را اعلام می‌کنم؟ این رسولی بودنِ کلیسا است! این پیوندِ ساختاری است که ما با رسولان داریم.

با این آغاز مایلم تا به کوتاهی بر سه معنایِ صفتِ "رسولی" چنان که برای کلیسا به کار می‌رود، تمرکز کنم:

(۱). کلیسا رسولی است چرا که بر اساس موعظه و نیایش رسولان برپا شده، بر اساس اقتداری که خودِ مسیح به ایشان بخشیده بود. پولس به مسیحیانِ افسس می‌نویسد: "پس دیگر نه بیگانه و اجنبی، بلکه هم وطنِ مقدسان و عضو خانواده خدایید؛ و بر شالوده رسولان و انبیا بنا شده‌اید، که عیسی مسیح خود سنگ اصلی آن بنا است" (افس ۲: ۱۹-۲۰)؛ یعنی، او مسیحیان را با سنگهای زنده مقایسه می‌کند، که ساختمانی را که کلیسا باشد می‌سازند و این ساختمان بر شالوده رسولان بنا شده است، مانند ستون‌ها، و آن سنگ اصلی که این بنا را حمل می‌کند، خود عیسی است. بدونِ عیسی کلیسا نمی‌تواند وجود داشته باشد! عیسی بنیادِ کلیسا است، شالوده! رسولان با عیسی زندگی کردند، به سخنان او گوش دادند، در زندگی او شریک شدند، و ورای این همه، آنها گواه مرگ و رستاخیز او بودند. سرنوشت ما، کلیسایی که خواستِ عیسی است، بر یک ایده استوار نشده، بر یک فلسفه بنا نشده، بر خودِ مسیح استوار شده است. و کلیسا مانند یک گیاه است که در درازای سده‌ها رشد کرده، گسترش یافته، میوه آورده، اما هنوز ریشه‌هایش به او و تجربه بنیادینی که رسولان برگزیده و فرستاده او، از مسیح داشتند، پیوسته است و

این چنین به ما رسیده است. از یک گیاه کوچک تا روزگار ما، چنین است که کلیسا در همه جای جهان گسترده شده است.

۲. اما بیایید از خودمان بپرسیم: چگونه برای ما ممکن است که به آن گواهی پیوسته بمانیم، چگونه آنچه رسولان با عیسی تجربه کردند، آنچه از او شنیدند به ما رسیده است؟ این دومین معنای اصطلاح "رسولی" است. آموزش دینی کلیسای کاتولیک بیان می کند که کلیسا رسولی است چراکه "با یاری روحی که در او ساکن است، کلیسا آموزشها را نگه داشته، (به آیندگان) می رساند، "سپرده نیکو" سخن سودمندی است که او از رسولان شنیده است. در درازای هزاره ها کلیسا این گنجینه ارزشمند را نگهداشته، که متون مقدس و تعلیمات، آیین ها، خدمت شبانان است، تا ما بتوانیم به مسیح وفادار بوده، در زندگی خود او شریک شویم. این رودخانه ای است در حال گسترش و آبیاری کننده، که در تاریخ جاری است؛ اما آب روانه همواره از یک سرچشمه می آید، و آن سرچشمه خود مسیح است؛ او یگانه برخاسته است، او یگانه زنده است، و سخن او هرگز از میان نمی رود، چرا که خود او از میان نمی رود، او زنده است، او امروز میان ما است، او (صدای) ما را می شنود و ما با او سخن می گوئیم و او گوش می دهد، او در دل های ما است. عیسی امروز با ما است! این زیبایی کلیسا است: حضور عیسی مسیح در میان ما. آیا ما هرگز به این اندیشیده ایم که این هدیه که عیسی به ما می بخشد چقدر مهم است، هدیه کلیسا، جایی که می توانیم به دیدار او برویم؟ آیا ما هرگز اندیشیده ایم که چگونه به روشنی - با وجود سختی ها، مشکلات، ناتوانی ها و گناهان ما - این کلیسا است که در سفرش در درازای سده ها پیام راستین مسیح را به ما می رساند؟ چگونه اوست که به ما این اطمینان را می دهد که آنچه ما به آن ایمان داریم، همان چیزی است که عیسی به راستی با ما در میان گذاشته است؟

۳. اندیشه پایانی من: کلیسا رسولی است، چراکه او فرستاده شده است تا انجیل را به تمام جهان برساند. او مأموریتی را که عیسی به رسولان سپرده بود، در تاریخ ادامه می دهد، "پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید، و ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید، که هرآنچه به شما فرمان داده ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم." (مر ۲۸: ۱۹-۲۰). این کاری است که عیسی به ما گفت تا انجام دهیم! من بر این جنبه مأموریتی پافشاری می کنم، چراکه مسیح همه را فرامی خواند تا "بیرون بروند" و با دیگران روبرو شوند، او ما را می فرستد، او از ما می خواهد تا جنبش داشته باشیم تا شادی انجیل را پخش کنیم! بار دیگر از خودمان بپرسیم: آیا ما با کلام خودمان، و به ویژه با زندگی مسیحی مان، با گواهی مان، مأمورین مسیح ایم؟ یا مسیحیانی هستیم که در قلب ها و در کلیساهای مان محدود ایم؟ آیا تنها کسانی هستیم که اسم مان را مسیحی گذاشته ایم و مانند غیرمسیحیان زندگی می کنیم؟ اینها سرزنش نیستند بلکه پرسشهایی هستند که باید از خودمان بپرسیم. من از خودم می پرسم: من چه جور مسیحی ای هستم؟ آیا گواهی من درست است؟

ریشه های کلیسا در آموزشهای رسولان است، گواهان راستین عیسی. اما کلیسا چشم به آینده دارد، وجدان کلیسا در فرستادگی خود استوار است - فرستاده شدن از سوی عیسی - از مبشر بودن، نام عیسی را با دعایش آوردن، اعلامش کردن و به آن گواهی دادن. کلیسایی که در خودش و در گذشته محدود است، کلیسایی که تنها قوانین ساده رفتار و منش را می بیند، کلیسایی است که به هویت خودش خیانت می کند؛ یک کلیسای بسته، به هویت خودش خیانت می کند! پس بیایید امروز تمام زیبایی و مسئولیت یک کلیسای رسولی - بودن را بازیابیم! و

یادتان باشد: کلیسا رسولی است برای اینکه ما دعا می کنیم- کارِ نخست ما- و برای اینکه که انجیل را با زندگی و سخنان مان اعلام می کنیم.

۱۶ اکتبر ۲۰۱۳

میدان سنت پیتر